

**نویسنده :** ویلیام هارتونگ (William Hartung).

**منبع و تاریخ نشر :** تا م پیچ «2017-10-10».

**برگردان :** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل»

## چگونه مجتمع نظامی صنعتی ارتش را تطمیع و شکار میکند

### How the military complex preys on the troops

من مطمئن هستم که شما در باره مبلغ (65) میلیون دالر یا (86) میلیون دالر ویا حتی بیشتر از این مبلغ که حیف ومیل شد، شنیده با شید وآن اینکه این پول را پنتا گون بخاطر تهیه وتدارک هواپیمایی که برای پروگرام ممنوعیت مواد مخدره در افغانستان برنامہ ریزی کرده بود از نظر ها نا پدید ومحوه گردید؟ شما که شنیده اید؟.

خوب ، همانگونه که **مگان روز (Magan Rose)** در پروپوبلیکا (propublica)

با «**ظرفیت وید یویی ما دون قرمز الکترونیکی نوری**» گزارش داد وآن اینکه این هواپیمای ضد مواد مخدره قرار بود که نقش مهمی را در بازرسی واخلال در تجارت هیروین افغانی ایفا کند ولی در اینجا یک مشکل کوچک وجود داشت وآن اینکه این هواپیما نه تنها که از محل توقف ویا پارکنگ از دلاوار (Delaware) بیرون آورده نشده است بلکه اصلاً هیچ ماموریتی را در افغانستان انجام نداده است یا وجودیکه «پنتاگون بطور معمول قادر به ردیابی هزینه ای آن هواپیما بود» زمانیکه اخیراً این هواپیما برای فروش به لیلام گذاشته شد تا جایکه حتی هیچ کس یک سنت قرمز را در دواطلبی به لیلام گذاشتن این هواپیما بالا وپا بین نکرد ، ایا این خود به نظر شما همچو یک ناهنجاری عجیب وغریب نیست ؟ همانطوریکه **ماگن روز** در مورد توضیح میدهد :

قایق های گشت زنی به ارزش (3) میلیون دالر برای نیروهای دریایی افغانستان خریداری میشود ولی هرگز آن کشتی های گشت زنی از **ویرجینیای امریکا** بیرون نمیشود وکسی نمیداند که آن کشتی ها چه شد ویا به کجا منتقل گردید ؟ ویا تهیه (20) بال هوا پیمای که به ارزش (486) میلیون دالر برای نیروهای هوایی افغانستان خریدار شد تا جایکه این هوا پیمای هر گز به طرف افغانستان پرواز نکرد وبه اختیار نیروهای هوایی افغانستان قرار نگرفت ودر نهایت که این هواپیمایا بشکل توتہ وپارچه های فلزی به مبلغ (32) هزار دالر با کسانی نامعلوم ونامشخص معامله وکار سازی شد- لذا اگر برای یک لحظه فکر وتعمق شود وآن اینکه ایالات متحده امریکا بیش از مبلغ (65) میلیارد دالر « یعنی ملینارد» به ارتش افغانستان می پردازد به یک نیروی نامناسب

که مدت ها توسط ارتش امریکا رهبری میشود به یک ارتش که تشکیل آنرا توسط سربازان خیالی پُر و تکمیل کرده اند. ویا ارتشی که تلفات و ضایعات فروان سربازان خود مواجهه و روبرو است .

باید اذعان کرد که در این سال ها در مناطق جنگی امریکا خورد و خورد و فساد تا نقطه ای رسوایی خود رسیده است ، مثلاً بگونه نمونه میتوان از مصرف مبلغ (43) میلیون دلار توسط پنتاگون یاد کرد که بخاطر ساختن یک گاز استیشن (Gas station) در یک جای نامعلوم افغانستان بمصرف رسیده است ولی این گاز استیشن را تا حال کسی در کدام نقطه افغانستان نه دیده است یا از آن جاده که در ولایت هلمند به مصرف (25) میلیون دلار به اصطلاح ساخته شده که تا حال از آن استفاده صورت نگرفته است ویا بعباره دیگر اصلاً همچو جاده در آن ولایت ساخته نشده است اما اسناد مصرفی آن بگونه جعلی تهیه و تنظیم گردیده است ویا اینکه از مبلغ نده (2، 1) میلیارد دلار تا (6، 1) میلیارد دلار که به نحوه از آنجا از ایالات متحده امریکا در عراق به سرقت برده شد این نمونه های از فساد قطره در یک سطل بود با توجه به (60) میلیارد دلار از دست رفته که در تحت پروژه های خیالی زیر عنوان جنگ ها در این کشور حیف و میل شده است .

لذا اگر شما این فساد پیشه گان رابه این شکل و آن شکل در نظر بگیرید آیا آنها به دستبردها و کلاهبرداری های غول آسا نمی پردازند؟ با اینحال بطور معمول **ویلیام هارتونگ** بطور مرتب و آشکار روشن می سازد و آن اینکه همه چیز فقط به روی کیک گذاشته میشود. در حالیکه منطقه ویا محل واقعی فساد و کلاهبرداری نه در افغانستان است و نه هم در عراق بلکه این کلاهبرداری در ساختمان پنج ضلعی واقع در ویرجینیا ی امریکا فقط در سرتاسر رودخانه ای پوتومیک (potomac) در واشنگتن دیسی (W.DC) قرار دارد. جاییکه امروز آنرا **هارتونگ** توضیح میدهد: دالره های مالیات دهندگان امریکا بطور منظم به صندوق های مختلف سازندگان سلاح های عظیم (مجتمع نظامی صنعتی) ویا به جیب مدیران اجرایی و مقامات عالی رتبه دولتی سرازیر میشود و چنین به نظر میرسد که در این جنگ ویا در جنگ های دیگر کلاهبرداری اصلاً در داخل امریکا صورت میگردد (کلاهبرداری داخلی) که این دالره های مالیات دهندگان قلب و روح این کلاهبرداران امریکای را تازه گی و نیرو میدهد. و بدتر از آن اینکه در واشنگتن درگیری بدون وقفه بواسطه کسی که با داشتن ناتوانی بیشتر ویا کمتر بتواند در مورد هر چیزی از خود توافق نشان دهد تنها و صرفاً موضعگیری دوطرفه ویا دوگانه ای پنتاگون است که در آن نمایندگان هر دو احزاب مخالف بدون بدست آوردن پول هنگفت به دیگر چیزها نه مشتاق اند و نه هم شاد و خرسند .

بطور طبیعی (16) سال بعد جنگ علیه تروریزم باید بعنوان یک فاجعه عصر در نظر

گرفته شود اما **هارتون** توضیح میدهد که پنتاگون از لحاظ بودجه (خدمه شرکت های جنگی که قلب و روح شان است) داستان استرلینگ موفقیت مالی است که این داستان بتاريخ 9/12 در سایت تام دیسپاچ (Tom Dispatch) به نشر رسیده است .

----- **با تقدیم سلام ها «2017-10-22»**